



## با بهترین تیم کوهنوردی جهان صعود کردم

از او می‌پرسم: چرا هزینه صعودش به اورست این قدر زیاد شده که می‌گوید: «من با بهترین کوهنوردی جهان قرارداد بستم و مربی انگلیسی و آمریکایی گرفتم چون تجربه زیادی نداشتم. با بهترین و پرافتخارترین کوهنورد جهان که «نیرمال پورجا» است، رفتم تا قله چون یک درصد هم نمی‌خواستم در این مسیر خطر کنم و اتفاقی برابم بیفتد. به نظر می‌شد با مبلغ کمتری یعنی ۳ یا ۴ میلیارد تومان این پروژه را تمام کرد. البته من از این تصمیم راضی هستم چون

چیزهای زیادی از آن مربی‌ها و تیم کوهنوردی یاد گرفتم، آموزش دیدم و تجربیات خیلی خوبی بود. امیدوارم شرایطی فراهم شود که بتوانم این اطلاعات را در اختیار دیگر جوانان کشورم قرار بدهم. علاوه بر این، هزینه‌های بلیت، مجوز صعود، حمل و نقل محلی، بیمه، ابزار و پوشاک، وعده‌های غذایی، اینترنت و هزار و یک چیز ریز و درشت دیگر هم بود.»



## بارها به این سوال در خلوت خودم فکر کردم

آقای دانایی، ۶ میلیارد هزینه کردید، مرگ را به چشم خودتان در اورست دیدید ... و آیا ارزشش را داشت یا نه؟ او می‌گوید: «بعضی وقت‌ها در خلوت خود به این سوال شما فکر کردم که ارزشش را داشت یا نه؟ همان طور که گفتیم، خانه خودم را در این شرایط اقتصادی فروختم و حتی برای خرید کفش‌های مخصوص، مجبور شدم بخشی از وسایل خانه‌ام را هم بفروشم تا پولم جور شود. اما باید بگویم که ارزشش را داشت. همین که الان هر لحظه وارد فضای مجازی می‌شوم و می‌بینم جوانی پیام گذاشته که ما وقتی این موفقیت و تلاش را ازاده را دیدیم، به زندگی امیدوارتر شدیم و به ما ثابت شد که اگر یک جوان ایرانی بخواهد، می‌تواند، برای من کافی است و یعنی ارزشش را داشته است. امیدوارم جوان‌های کشورم وقتی این ویدئوهای صعود را می‌بینند و این روایت را از نحوه صعود من می‌خوانند، بدانند که یک جوان ایرانی به این موفقیت بدون هیچ امکاناتی و بدون هیچ حمایتی دست یافته. حتی حمایت در حد یک پیام از سمت مسئولان. تنهایی تنها بودم و موفق شدم. تنها هدفم این بود که روی قله اورست بایستم تا بعضی از جوانان ایرانی که ناامید شدند، ببینند که اگر تلاش کنند، به آن چه می‌خواهند می‌رسند. من ۷،۶ سال تلاش کردم و بالاخره شد و به رویا و هدفم رسیدم.»

## فعلا بیکارم...

«عظیم قیچی‌ساز در ۲۴ سالگی موفق به فتح اورست شده بودم و من در ۲۳ سالگی. امیدوارم این رکورد به نامم بماند اما اگر دیگر جوان‌های مستعد ایرانی بخواهند آن را بشکنند، چرا که نه. با کمال میل در کنار هر جوانی هستم که بخواهد این رکورد را بزند. من تربیت‌بدنی خواندم و مربی کوهنوردی هم بودم. الان فعلا بیکار شدم و دانشجوی هستم.» او در پایان یک گلایه هم دارد: «واکنش فدراسیون کوهنوردی در حد یک پیام تبریک بوده. همان طور که می‌دانید صعود به قله اورست، معادل مدال طلای مسابقات جهانی است و حق من است که فدراسیون این صعود را تأیید کند و مدال طلای جهانی و جوان‌ترین فاتح اورست بودن را به من بدهد. خانه‌وزندگی خودم را فروختم تا بخرم کشورم را روی نام جهان بالا ببرم. حداقل کاری که می‌تواند برای من انجام بدهند و درخواستی که دارم، این است که مدرک معادل این طلای جهانی را به من بدهند. من نه‌از مسئولان پول می‌خواهم نه چیز دیگری. همین که مردم دیدند، لذت بردند و دل‌شان درازی شاد شد، برای من کافی است.»



من همیشه گرسنه بودم و نمی‌دانم چرا. کوهنوردهای قوی همیشه در ارتفاع گرسنه هستند و چون از اکسیژن استفاده نمی‌کردم، میل به غذا هم زیاد بود. این را هم بگویم که من در ارتفاع ۷ هزار متری، غذای ایرانی یعنی کنسرو قرمه‌سبزی خوردم که خیلی خوشمزه بود و بهم چسبید.»

وقتی شما به کمپ ۴ اورست می‌رسید، دیگر از این خبرها نیست! امسال صعود به اورست، ۱۳ کشته داد و جولی چشم‌های خودم یک کوهنورد جان باخت. شما وقتی به ارتفاع ۸ هزار متر یعنی منطقه مرگ می‌رسید، نمی‌دانید که سالم برمی‌گردید یا نه.»

و صعود به آن تحقیق کردم. تقریباً همه مستندها درباره این قله و فتح آن را دیده بودم یعنی با آگاهی کامل به کشور نیپال رفتم. اما وقتی وارد منطقه شدم، دیدم بسیار فراتر از چیزهایی بوده که تصور شما می‌کردم. عظمت این قله آن قدر زیاد بود که

## هدفم صعود

## بدون کپسول اکسیژن بود

یکی از نکات جالب درباره «دانایی» این است که روی قله برخلاف دیگر کوهنوردها از کپسول اکسیژن استفاده نکرده است. خودش در این باره می‌گوید: «من کلاروی قله اورست، از اکسیژن استفاده نکردم و موفق شدم تا ارتفاع ۸ هزار و ۵۰۰ متری هم بدون کپسول اکسیژن صعود کنم. از ارتفاع ۸ هزار و ۵۰۰ به بالا هم به اجبار سرپرست تیم مجبور شدم خیلی محدود از کپسول استفاده کنم. یکی از هدف‌های من این بود که این قله را بدون نیاز به اکسیژن فتح کنم و از ۶ سال پیش برای این اتفاق هم برنامه‌ریزی کرده بودم. با یک مربی آمریکایی هم مشورت کردم و تمریناتی انجام داده بودم. اما برای سلامت تیم‌مان که ۴ نفر از ایران، آلمان، لهستان و برزیل بودیم و این که به در درسر نیفتند، از کپسول استفاده کردم. اگر من می‌خواستم بدون اکسیژن بروم و حالم بد می‌شد، برای بقیه هم مشکل ایجاد می‌شد بنابراین من را اجبار کردند که از اکسیژن استفاده کنم. من وقتی رسیدم روی قله، اکسیژن‌م را قطع کردم و در تصاویر هم مشخص است.»



## صعودم ۹۵ روز طول کشید

«مسیرش خیلی سخت بود، خیلی دشوارتر از آن چه شنیده و دیده بودم و فکر شما می‌کردم.» دانایی که سال‌ها خودش را برای این صعود آماده می‌کرده و برای آن برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده‌ای داشته، می‌گوید: «من ۶ سال درباره قله اورست

## روی قله فقط مبهوت عظمت

## و قدرت خدا شدم

از جوان‌ترین فاتح ایرانی اورست درباره حس و حالش در بالاترین نقطه کره زمین می‌پرسم که می‌گوید: «مدت زمان توقف روی قله اورست، قانون دارد. طبق آن چه وزارت گردشگری نیپال و شرکت‌های کوهنوردی تأیید کرده‌اند، هر نفر بین ۳ تا ۸ دقیقه می‌تواند در آن جا بماند. بیشتر از این اگر روی قله بماند و اتفاقی بیفتد، کسی پاسخگو نیست و مسئولیت آن را نمی‌پذیرد. اما من تقریباً ۳۵ دقیقه روی قله بودم. در همان لحظات اول، ریش‌هایم کاملاً یخ زد. شما وقتی روی قله اورست می‌رسید، همه کوهنوردها این‌طور هستند که ویدئوی با صدا از آن‌ها منتشر نمی‌شود. اگر هم باشد، در حد ۳ یا ۴ و در نهایت ۱۰ ثانیه، یک جمله می‌گویند. اما من چند ویدئوی چند دقیقه‌ای دارم که روی اورست مشغول صحبت هستم. من وقتی روی قله بودم، یک دور ۳۶۰ درجه زدم و کل جهان زیر پایم بود. آن‌جا فقط مبهوت قدرت و عظمت خلقت خدای متعال شدم و ۴ رکعت نماز به عشق خالق خودم خواندم.»

## خور دوخوارک در اورست از یاد آدم می‌رود

گردو برده بودم. البته وقتی شما در ارتفاع می‌روید، اشتهای تان کم می‌شود و میل غذای شما پایین می‌آید و زیاد نمی‌توانید غذا بخورید. شما آن قدر تحت فشار مشکلات جسمی و روانی در آن جا هستید که خورد و خوراک از یادتان می‌رود. البته

«در کمپ اول و اصلی اورست آشپز هست و غذاهای معمولی مثل برنج و سیب‌زمینی پیدا می‌شود اما در کمپ‌های بالاتر، بیشتر سوپ و نودل هست.» دانایی درباره خورد و خوراکش در اورست می‌گوید: «من از ایران برای خودم توت‌خشک، بادام و

## ۶ سال، هر روز از ۴ صبح در کوه‌های آب و برق می‌دویدم

از او درباره تمریناتی که برای این صعود پشت سر گذاشته می‌پرسم که می‌گوید: «تقریباً از همان ۶ سال پیش، تمریناتم را برای این صعود شروع کردم. من هر روز ۴ صبح در کوه‌های آب و برق و هفت تیر مشهد تا ساعت ۸ یا ۷ صبح و بعضی روزها بیشتر می‌دویدم. با یک چهارم اکسیژن، ریه‌هایم را تقویت می‌کردم. خیلی سخت بود که هر روز ۴ صبح از خوابم بزنم و برای هدفم بچنگم اما حالا باید به شما بگویم خوبی‌اش این بود که بعد از کوهنوردی، خیالم راحت بود که سالم برمی‌گردم خانه اما

# فتح اورست به صرف قرمه‌سبزی!

گفت و گو با «امیر محمد دانایی» که در ۲۳ سالگی و با ۶ میلیارد هزینه شخصی، جوان‌ترین فاتح ایرانی اورست شد درباره خاطراتی که از این صعود سخت دارد و لحظاتی که مرگ را به چشم خود دیده است

مجید حسین‌زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

تجربه صعود به بلندترین نقطه کره زمین، جذاب اما پر از چالش‌ها و دردسرهای عجیب و غریب است. کوه اورست در زبان نیپالی به معنای سر آسمان و بلندترین کوه جهان با ارتفاع ۸۸۴۸ متر است. اورست جزو رشته کوه هیمالیاست و در کشور نیپال قرار دارد. فتح اورست و این احساس که برای چند دقیقه در بالاترین نقطه جهان قرار گرفتید و دیدن همه چیز از آن بالا، اتفاقی است که همه ما شانس تجربه‌اش را نداریم. چند روز پیش، «امیر محمد دانایی» به عنوان جوان‌ترین کوهنورد ایرانی موفق به فتح قله اورست شد. او در ۲۳ سالگی دست به کار بزرگی زد و توانست قله اورست یعنی مرتفع‌ترین قله جهان را فتح کند. دانایی سابقه صعود زمستانی به قله ۱۳۷ متری آرات در ترکیه، قله ۴۰۹۰ متری آراگاتس در ارمنستان، قله ۵۰۵۴ متری کازیک (اورست کوچک) در گرجستان، قله ۵۶۴۲ متری البروس در روسیه و قله ۵۶۱۰ متری دماوند را در کارنامه خود دارد اما موانع زیادی برای صعود به اورست در مقابلش وجود داشت. در پرونده امروز زندگی سلام با او درباره این صعود، سختی‌هایش، تمریناتی که قبل از فتح اورست پشت سر گذاشته، هزینه‌ها و ... گفت و گو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

## از ۱۵ سالگی می‌خواستم جوان‌ترین

## ایرانی فاتح اورست می‌شوم

به عنوان اولین سوال، از تصمیم‌اش برای فتح بلندترین قله جهان می‌پرسم که از چه زمانی شروع شده است؟ او می‌گوید: «من از ۱۵ سالگی در فکر صعود به اورست بودم و در ذهنم نقشه صعود به این قله به عنوان جوان‌ترین ایرانی را داشتم. تقریباً ۱۶ ساله بودم که در گفت‌وگویی با یک رسانه مطرح کردم که من جوان‌ترین ایرانی فاتح اورست خواهم شد. وقتی آن مصاحبه منتشر شد، بیشتر افراد من را مسخره کردند و به من خندیدند. همین اتفاق برای من انگیزه شد تا تمرکز خیلی بیشتری روی این هدف داشته باشم و همه زندگی‌ام را گذاشتم پای این موضوع و با خودم گفتم من هر جور شده باید جوان‌ترین ایرانی فاتح اورست شوم.»

## هزینه صعودم ۶ میلیارد تومان شد

به او می‌گویم از ۱۶ سالگی که تصمیم به فتح اورست گرفته تا امروز که موفق به صعود شده، ۷ سال گذشته است؛ چرا این قدر طول کشیده که می‌گوید: «در این ۶ سال، خیلی سختی کشیدم، تلاش کردم، تمرین کردم، از زندگی‌ام زدم، چندین قله دیگر را فتح کردم ... اما برای اورست، هر سال یک مشکلی پیش می‌آمد و نمی‌شد. از آن طرف، هزینه صعود به اورست خیلی زیاد بود و دنبال حامی مالی بودم که آخر هم نشد. هزینه صعود به اورست تقریباً ۶ میلیارد تومان شد که تمام و کمال از جیب خودم پرداخت کردم. در آخر هم برای صعود به قله اورست، خانه شخصی خودم را فروختم و موفق شدم پول آن را جور کنم. به لطف خدا و آقای امام رضا (ع) موفق شدم به عنوان جوان‌ترین ایرانی، اورست را فتح کنم و پرچمی با نام مبارک ایشان را روی قله به اهتزاز در بیاورم و علاوه بر آن، پرچم خوش‌رنگ کشورم را.»

## به امام رضا (ع) متوسل شدم

صعود به ارتفاع ۸ هزار متری، کار ساده‌ای نیست. او درباره چالش‌های فتح اورست در روزی که موفق به آن شده، می‌گوید: «صعود به قله اورست خیلی سخت است و من در روز بسیار سخت‌تری هم موفق به فتح این قله شدم. روزی که ما تصمیم به فتح قله گرفتیم، فقط من و ۳ نفر از هم‌تیمی‌هایم در مسیر صعود قرار گرفتیم. یعنی من در خلوت‌ترین روز اورست موفق به فتح آن شدم و اصلاً با مشکل ترافیک روبه‌رو نشدیم. اگر اخبار کوهنوردی جهان را دنبال کرده باشید، همیشه روی قله اورست ترافیک است اما برنام‌ریزی ما جوری شد که در هوای خراب مجبور شدیم به سمت قله حرکت کنیم. در حقیقت وقتی جنازه‌هایی را در مسیر فتح قله دیدم، ترسیدم و می‌خواستم برگردم. بالاخره آدم جانش را دوست دارد. من هم جوان بودم و گفتم که نکند خطر کنم و این جا برابم اتفاقی بیفتد و خانواده‌ام داغدار شوند. بنابراین تصمیم گرفتم برگردم اما یک لحظه در ارتفاع ۸ هزار و ۳۰۰ متری بودم که به امام رضا (ع) متوسل شدم و گفتم که کمک کنید تا بتوانم موفق به این کار شوم. بعد از نرزی زیادی گرفتم و به مسیر ادامه دادم.»

